

نصر محمد عارف

منابع و آثار سیاسی اسلامی

و نقد روش شناختی مطالعات معاصر

ترجمه و تعلیق
مهران اسماعیلی



نشرنی

عارف، نصر محمد، ۱۹۶۱ - Arif, Nasr Mohammad

منابع و آثار سیاسی اسلامی و نقد روش‌شناختی مطالعات
معاصر / نصر محمد عارف؛ ترجمه و تعلیق مهران اسماعیلی. - تهران:
نشر نی، ۱۳۸۴.

۲۸۸ ص.

ISBN 964-312-768-0

عنوان اصلی: فی مصادر اثرات السیاسی الاسلامی.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: بصورت زیر نویس.

نمایه.

۱. دانشمندان اسلامی - سرگذشتنامه و کتابشناسی. الف.

اسماعیلی؛ مهران، مترجم. ب. عنوان.

۰۱۶/۵۰۰۸۸۲۹۷

Z۷۴۰۵/د ۲ ع ۲۳۰۲۱

۱۳۸۴

م ۸۳۰۴۰۰۹۳

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷

تلفن: ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵

www.nashreney.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲

تلفن: ۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۴۹۸۲۹۴

کتابفروشی: خیابان کریم‌خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹

تلفن ۸۹۰۱۵۶۱

نصر محمد عارف

منابع و آثار سیاسی اسلامی

و نقد روش‌شناختی مطالعات معاصر

ترجمه و تعلیق: مهران اسماعیلی

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۱۰۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-768-0

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۶۸-۰

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخن مترجم	۹
یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی	۱۵
پیش‌گفتار	۱۹
مقدمه	۲۵
سخنی پیرامون روش و مراحل این بررسی	۲۵

بخش اول. روش‌شناسی تعامل با میراث سیاسی

فصل اول. جایگاه میراث در بررسی‌های معاصر اندیشه سیاسی اسلام؛ بررسی آماری	۴۱
فصل دوم. روش‌شناسی و شیوه تعامل مطالعات معاصر با میراث سیاسی	۵۲
فصل سوم. قواعد روش‌شناختی لازم برای مطالعه منابع سیاسی اسلامی	۶۰
۱. بررسی اندیشه در بافت تاریخی آن	۶۲
۲. ضرورت تفکیک اندیشه سیاسی از فقه سیاسی	۶۴
۳. روش‌شناسی تعامل با مفاهیم میراثی	۶۷
۴. بحث ترجمه و ماهیت نظام معرفتی در اسلام	۷۰

بخش دوم. منابع و آثار سیاسی اسلامی

فصل اول. منابع متضمن مباحث سیاسی (منابع غیر مستقیم)	۸۱
۱. تفاسیر و شرح‌های روایی	۸۱
۲. کتاب‌های فقهی گسترده یا موجز	۸۲
۳. کتاب‌های اصول فقه	۸۲
۴. بخش‌های امامت در منابع کلامی	۸۲
۵. خطبه‌های خلفای راشدین و عهدنامه‌هایی که به والیان و امرا داده‌اند	۸۲
۶. کتاب‌های دایرة‌المعارفی که به اندیشه‌ها و موضوعات متعدد پرداخته‌اند	۸۳
۷. منابع تاریخی	۸۴
۸. ادبیات مردمی یا تاریخ‌نگاری مردم، علما و صالحان	۸۵
۹. کتاب‌های تعریفات و فرهنگ‌های لغت	۸۵
فصل دوم. منابع سیاسی تخصصی (منابع مستقیم)	۸۷
منابعی که نویسنده و تاریخ نگارش آن معلوم است	۸۹
منابعی که نویسنده آنها شناخته‌شده و تاریخ نگارش آنها نامعلوم است	۲۱۷
منابعی که نام نویسنده و تاریخ نگارش آنها، هر دو نامعلوم‌اند	۲۱۹
ضمیمه. تکمله‌ای بر «فی مصادر التراث السياسی الاسلامی»	۲۲۷
درباره نویسنده	۲۴۹
توضیح اسامی، القاب و اصطلاحات	۲۵۵
نمایه مؤلفان و منابع سیاسی اسلامی	۲۶۳
نمایه مصححان و محققان منابع سیاسی اسلامی	۲۸۱
نمایه فرمانروایان، والیان و حکمرانان	۲۸۵

سخن مترجم

گذشته ما همواره بخشی از هویت ماست. ما، که هستیم، تبارمان کدام است و از پیشینیان خود چه یادگاری داریم؟ هر کسی به اندازه آگاهی خود به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد؛ این اثر به خوبی نشان می‌دهد که دانسته‌های ما از خود، چقدر می‌توانند اندک باشند. همان‌طور که کشف شهرها و آثار تاریخی از زیر خروارها خاک و رمزگشایی از خطوط باستانی، پرده خرافه و اسطوره را از واقعیت تاریخی برمی‌دارد، شناسایی متون کهن هر دانش نیز، واقعیت اندیشه و تغییرات آن را می‌نمایاند. مجموعه این شناخت‌ها، تشخیص هویت ما را در عصر جهانی سازی تقویت خواهد کرد. در این روند، نقش عناصر فرهنگی همچون متون و منابع فکری، به مراتب بیش از دیگر عناصر تمدنی است، زیرا اینها نشانی از واقعیت تاریخی‌اند در حالی که متون، زبانی گویا از پیشینه فکری ما دارند.

ورود مباحث روش‌شناختی به حوزه‌های گوناگون دانش، زمینه‌بازینی و اعتبارسنجی نتایج پژوهش‌های پیشین را مهیا کرده است. در علم سیاست و

به‌ویژه حوزه اسلامی آن مطالعات متعددی از سوی پژوهشگران و نیز شرق‌شناسان صورت پذیرفته است و نتایج به‌دست آمده از این تحقیقات به‌عنوان نتایج خدشه‌ناپذیر مورد قبول بسیاری از محققان این عرصه قرار گرفته است. ارزش و اهمیت کتاب حاضر زمانی مشخص می‌شود که بدانیم مؤلف با انتشار این اثر در صدد برآمده نتایج و تعمیم‌های به‌دست آمده سابق را باطل بداند. چنین اقدامی با استقبال بسیاری از محققان مواجه شد و کتاب توانست در سال ۱۹۹۶ جایزه کتاب مصر را به خود اختصاص دهد.

نقطه آغاز این اثر بحثی است روش‌شناختی. مؤلف با بررسی حدود هفتاد پژوهش چاپ شده در زمینه سیاست در اسلام به این نتیجه رسیده است که برخلاف انتظار، رعایت نکردن اصول و روش‌های علمی در تحقیقات دانشگاهی رواج فراوان دارد و این امر صحت نتایج به‌دست آمده را مورد تردید قرار می‌دهد. مبنای سخن او آن است که تعمیم‌های به‌دست آمده از این تحقیقات فاقد استقرای کامل منابع‌اند و پیش از گردآوری داده‌ها، حکم صادر شده است.

مشروح مباحث روش‌شناختی وی در بخش اول اثر و طی سه فصل بیان شده است. بررسی آماری مستندات تحقیقات معاصر و نیز بررسی میزان تکرار هر یک از منابع در آن تحقیقات، در فصل اول این بخش مورد بررسی قرار گرفته است و مشخص شده که محققان به چهار منبع بیش از دیگر منابع مراجعه کرده‌اند. کاستی‌های روشی تحقیقات مورد نظر، در فصل دوم آن مطرح شده است. در فصل سوم دکتر نصر عارف راهکارهایی را برای تعامل بهتر و روش‌مند پژوهشگران با میراث (به معنی عام آن) ارائه کرده و در ادامه همان فصل با نوعی معناشناسی به مغایرت مفاهیم سیاسی اسلامی با معادل‌های لاتین آن پرداخته است.

تأکید نویسنده بر اصل «نخست استقرا، سپس تعمیم» و ضرورت پابندی پژوهشگران به این اصل، مستلزم استقرای دیدگاه‌ها و مباحث سیاسی است که اندیشمندان طی سده‌های متمادی و در سرزمین‌ها و نحل‌های گوناگون

مطرح کرده‌اند. در نتیجه باید طی عملیاتی اکتشافی، نسخ و منابع بر جای مانده را شناسایی کرد و آنگاه نتایج به‌دست آمده را به اطلاع دیگر پژوهشگران رسانید تا زمینه استفاده از همه منابع فراهم آید. بخش دوم کتاب به همین امر اختصاص یافته است و نویسنده پس از درنگی کوتاه بر منابعی که به صورت غیرمستقیم و ضمنی با پدیده سیاست در اسلام مرتبط‌اند، به معرفی منابعی پرداخته که مستقلاً در این حوزه تألیف شده و بنا به اظهار نویسنده بیش از نود و چهار درصد آن برای پژوهشگران ناآشنا است. وی پس از تنظیم و شماره‌گذاری منابع بر اساس تاریخ وفات مؤلفانشان، حتی المقدور چکیده‌ای از اثر همراه با معرفی اندیشمند صاحب اثر ارائه و به محل نگهداری نسخ خطی یا مشخصات نشر آن اشاره کرده است.

گردآوری میراث سیاسی اسلامی از میان انبوه نسخ خطی یا مقالات و آثار چاپ شده و ارائه چکیده‌ای از محتوای اثر، همراه با اطلاعاتی از نویسنده آن، طرحی گسترده است که بی‌گمان سالیان متمادی انجام شده و از انگیزه قابل تقدیر نویسنده، حکایت دارد.

طی مطالعه ترجمه احساس کردم در معرفی نویسندگان از نام شهرهایی سخن به میان آمده است که امروزه اثری از آنها نیست یا به دلیل فاصله جغرافیایی که با ما دارند، احتمالاً نمی‌توانند خاستگاه یا محل سکونت اندیشمند را روشن کنند، از این‌رو با استفاده از منابع جغرافیایی، اطلاعاتی را افزوده و واژه‌نامه‌ای را نیز در پایان ترجمه، تنظیم کرده‌ام. برای ذکر تلفظ صحیح و ضبط و ثبت حرکات و مصوت‌های برخی واژگان عربی یا نام‌های نامأنوس نیز، به منابع فراوانی مراجعه کردم. در متن عربی کتاب، نویسندگان و آثارشان هر دو از سمت راست شماره‌گذاری شده‌اند، اما با توجه به عنوان کتاب، شماره‌گذاری را به منابع محدود و شماره‌گذاری نویسندگان را به انتهای نام آنها منتقل کرده‌ام. طی ترجمه هرگاه به مشکلی برخوردیم با نویسنده تماس گرفتیم و ایشان نیز کمال محبت را به بنده داشتند.

یکی از محورهای مورد تأکید نویسنده آن است که نویسندگان متون

سیاسی با توجه به بافت تاریخی و پشتوانه فکری تمدنشان، باید تجزیه و تحلیل شوند، از این رو ایشان به معرفی بسیاری از آنها پرداخته است. به گمان مترجم، اطلاعاتی که در این اثر به عنوان شرح حال نویسندگان ارائه شده است، کاملاً بستر تاریخی آنها را منعکس نمی‌کند. بدیهی است ارائه اطلاعاتی از دولت‌های مناطقی که اندیشمند در آن می‌زیسته است و نیز تحولات آن دولت‌ها و حوادث جهان اسلام و بسیاری نکات دیگر، به شفاف شدن تصویر کلان و تاریخی تطور اندیشه سیاسی اسلام می‌انجامد. همچنین برای فهم میراث هر دوره باید با ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه روابط سیاسی آن دوره آشنا بود، زیرا اگر هر میراثی از روابط ناشی از ساخت قدرت پدید نیامده باشد، دست‌کم در تعامل با آن، از آن متأثر شده است. در همین راستا، کوشیدم تا حد ممکن اطلاعاتی هرچند ناکافی - به دلیل محدودیت وقت و گستره کار - به ترجمه کتاب بیفزایم و هنگام بازخوانی نهایی اثر حاضر، اطلاعاتی را به شرح حال نویسندگان افزودم. در اضافاتی که به شرح حال نویسندگان افزودم چنانچه به محل سکونت آنها اشاره شده بود حکومت‌های معاصرشان را معرفی کردم. در غالب مواردی که از سلسله یا حاکمی یاد شده است، به تاریخ حکومت یا قلمرو آن و درباره اندیشمندان دوره جدید و معاصر به معاصرت آنها با دوره‌های تاریخ ایران اشاره کرده‌ام.

با توجه به مسئله خلافت در تاریخ اندیشه سیاسی تصور کردم استفاده از تقسیم‌بندی مورخان در اینجا مفید باشد از این رو خلافت عباسی بغداد را به چهار دوره تقسیم کردم تا مشخص شود هر متفکر به کدام دوره تعلق دارد. دوره اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲) که در آن‌ته تن از عباسیان به خلافت رسیدند عصر تمرکزگرایی و اقتدار بود. نهضت ترجمه، قدرتمند شدن معتزله و اهل رأی، امامت امامان متأخر شیعه و امامت عمده امامان مذاهب فقهی اهل سنت در این دوره روی داد. عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴) عصر سلطه نظامیان سرک‌تبار بر خلافت است و با قدری مرکزگریزی، دولت‌های

اسماعیلی در مصر و بحرین و دولت‌های زیدی در طبرستان و یمن و نیز دولت‌های نیمه‌مستقل سامانی و صفاری در فلات ایران و طولونی و اخشیدی در مصر شکل گرفتند. دوره غیبت صغرای شیعیان امامی و تدوین عمده منابع روایی اهل سنت و تقویت گرایش حدیثی در این دوره روی داده است. عصر سوم عباسی (۳۳۴-۴۴۷) عصر سلطه زیدیان ایرانی تبار آل بویه بر خلافت عباسی بغداد بود. همزمان با تدوین عمده متون روایی شیعه در این عصر، متون فلسفی قابل توجهی نیز در این دوره از ابن‌سینا، فارابی و اخوان‌الصفا بر جای ماند. عصر چهارم عباسی (۴۴۷-۶۵۶) از سلطه ترکان سلجوقی بر بغداد آغاز شد و تا سقوط بغداد توسط مغول ادامه یافت. سقوط حکومت فاطمی در مصر توسط ایوبی‌ها، فعالیت اسماعیلیه نزاری در فلات ایران به رهبری حسن صباح، تصرف شام و بیت‌المقدس توسط صلیبیان و حکومت یکصد ساله آنان بر این مناطق از مسائل سیاسی برجسته این عصر است. تقویت گرایش تصوف و ظهور شخصیت‌های برجسته صوفی از جمله غزالی به این دوره تعلق دارد.

پس از آن با انتقال خلافت به قاهره عصر مملوکی، دوره خلفای عباسی قاهره آغاز شد و بیش از دو سده و نیم ادامه یافت. ممالیک، علاوه بر مقاومت در برابر مغول، بازمانده حکومت‌های صلیبی را که در دوره چهارم عباسی و توسط صلاح‌الدین ایوبی محدود شده بودند را برچیدند و مدتی بعد در برابر حملات مهلک تیمور جان سالم بدر بردند و در اواخر عهد خود شاهد ورود ناوگان‌های پرتغالی به اقیانوس هند و نیز اخراج مسلمانان از اندلس بودند. با تصرف شام و مصر و سقوط دولت ممالیک توسط عثمانی‌ها و همزمان با تأسیس دولت صفوی در ایران خلافت عباسی به عثمانی منتقل شد تا دوره‌ای جدید آغاز کند.

بر این اساس در این اثر خوانندگان پارسی‌زبان با اندیشمندان مناطق بسیاری چون اندلس، مغرب، تونس، مصر، شام، و یمن آشنا می‌شوند اما آثار پارسی‌زبان دوره‌های اسلامی ایران، هند و بسیاری از مناطق و زبان‌های دیگر

همچنان ناشناخته می ماند. در قم نیز طرح کتاب شناسی منابع سیاسی اسلامی در حال انجام بود که پس از انتشار کتاب به صورت مقاله ای تکمیلی منتشر شد که ضمیمه ترجمه کتاب است. به امید آنکه پژوهشگران دیگر مراکز پژوهشی نیز در تکمیل این اثر سهیم شوند زیرا همانگونه که نویسنده کتاب گفته میراث معرفی شده در این اثر محدود به بخش عربی آن است و افزودن منابع پارسی، ترکی، و... این مجموعه را غنی تر و آن را به عنوان کتاب نزدیک تر می سازد.

در پایان از همه عزیزانی که در انجام این کار مرا همراهی کردند سپاسگزارم؛ به ویژه حجة الاسلام دکتر نجف لک زایی که ترجمه این اثر را پیشنهاد کردند و زمینه انتشار آن را در فصلنامه علوم سیاسی وابسته به موسسه آموزش عالی باقر العلوم فراهم آوردند و نیز استاد عبد الجبار رفاعی که زمینه ارتباط بنده را با نویسنده کتاب ممکن ساختند. همچنین از همسرم که با وجود اشتغال به تحصیل و کاستی ها همواره همراه من بوده و این بار نیز در گردآوری بخش زیادی از اطلاعات افزوده شده در این کتاب، مرا یاری کرده است.

مهران اسماعیلی

پاییز ۱۳۸۳

یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی

زمانی که استاد مهران اسماعیلی و شیخ عبدالجبار الرفاعی به من اطلاع دادند که کتاب فی مصادر التراث السياسي الاسلامی، آن تلاش ناچیزی که خداوند بر من منت نهاد، مورد توجه خوانندگان ایرانی قرار گرفته است، بسیار خوشوقت شدم. از نظر من خواننده ایرانی برترین خواننده فعال و مشارکت‌جو در جهان اسلام است و به همین دلیل این کتاب به فارسی برگردانده شده است. من ترجمه این اثر را ارج نهادن به کتاب می‌دانم؛ زیرا کاملاً درک می‌کنم که تفکر اسلامی نه تنها در آغوش میراث پارسی شکوفا شده، بلکه از مبادی فکری و عملی آن، به سوی نظامی عادل که پیامبر اکرم (ص) آن را ستوده، حرکت کرده است.

ارائه این کار ناقابل برای خواننده ایرانی، فرصتی را برای مراجعه، تصحیح و بهبود فراهم می‌کند. چراکه از فضای عالمانه ایران و اشراف آن بر حکومت و فعالیت سیاسی در اسلام، انتظار نقد و ارزشگذاری دارم. همچنین از خوانندگان گرامی تقاضا دارم به چند نکته توجه داشته باشند:

(۱) این اثر، ده سال قبل تألیف شده است و من طی این سال‌ها با بسیاری از نسخ خطی دیگر آشنا شده‌ام که در این کتاب به آن‌ها اشاره نکرده‌ام، به‌ویژه در دایره گسترده امامت که حق آن در این کتاب ادا نشده است. از این‌رو بسیاری از نسخ خطی و منابعی که این بار نیامده‌اند، در نوبت بعد خواهند آمد و در نتیجه، درصد آگاهی پژوهشگران معاصر نسبت به میراث، کمتر از میزانی است که در کتاب بیان شده است.

(۲) بررسی میراث سیاسی به دلیل تنوع آن در سبک و روش، رویکرد به پدیده سیاست، دوره‌های تاریخی، سرزمین و دولت‌هایی که میراث در آنها شکل گرفته است و نیز زمینه‌های متنوع فکری و دینی، نیازمند طرح و نقشه است که در چاپ بعدی، انجام خواهد شد.

(۳) مفهوم سیاست و مفاهیم مرتبط با آن همچون دولت، حکومت و نظام سیاسی نیاز به مراجعه فراوان دارد. در این باره، ضمن پژوهشی نشان داده‌ام که تفسیر اروپایی از دولت و نظام سیاسی، جانشین مفهوم اسلامی آن شده است و در نتیجه، مسلمانان معاصر از واژگان سیاسی به کار رفته در متون اسلامی، مفاهیم غربی برداشت می‌کنند. مفهوم سیاست، دولت و حکومت در اسلام از مبانی معرفتی متفاوتی برخوردار است که محوریت در آن، از آن جامعه، اصلاح و تحقق مصلحت‌هاست (نه دولت، سلطه و اعمال قدرت). همچنین سیستم سیاسی اسلام سیستمی ارزشمند است که بر ارزش‌های سیاسی مشخصی تأکید دارد و نه بر صورت و فرم‌های سیاسی. و تلاش دارد به اهداف خود برسد، نه آنکه به تدابیری خاص پایبند باشد و مصلحت اعلای امت را راهنما می‌گیرد، نه صورت‌ها و تلاش‌های تاریخی را. از این‌رو اسلام به نظام سیاسی مشخصی پایبند نیست، بلکه برای تحقق نظام سیاسی - که در هر عصر و مکان و در شرایط متعدد پذیرای تغییر است - قواعد و اصولی ارائه می‌کند و همزمان اجازه می‌دهد تا از دستاوردهای ابزاری عقل بشری از هر آئین و مذهب و سرزمینی که باشند استفاده شود.

در پایان لازم است از شیخ علامه عبدالجبار الرفاعی که پیوسته مرا به حوزه‌های معرفتی جدیدی سوق می‌دهد و نیز از برادر فاضل مهران اسماعیلی، پژوهشگر کوشا و آگاه که با تلاش و وقت خود این اثر را به پارسی بازگردانده است تشکر کنم. از خداوند سبحان می‌خواهم شایسته‌ترین پاداش‌ها را به آنها ببخشد.

درود خداوند بر پیامبر و آلش

۲۹ فوریه ۲۰۰۴ / ۹ محرم ۱۴۲۵

پیش‌گفتار

خیزش هر ملتی به این وابسته است که تا چه میزان بتواند روش و معرفتش را
تطور بخشد. این توان به او امکان می‌دهد که برای تعامل با ایده‌ها، باورها،
میراث، واقعیت و افکار و تحولات پیرامونش، راهکارهایی ارائه کند و امکان
دستیابی به حقیقت را در مظان آن فراهم آورد، به گونه‌ای که با هر تلاشی
نکته‌ای حاصل و با هر نکته‌ای بخشی از حقیقت روشن شود، در نتیجه
واقعیت به درستی شناخته می‌شود، هیچ کوتاهی نسبت به بخش‌های پدیده
مورد بررسی صورت نمی‌گیرد، کسی دم از بیخبری نخواهد زد و پیش از
مطالعه کامل همه بخش‌های مرتبط با موضوع، تعمیمی عجولانه صادر
نخواهد شد. در این صورت نتایج، تعمیم‌ها و ارزش‌گذاری‌ها بر اصول
روش‌شناختی مبتنی‌اند و می‌توانند بازتابی از واقعیت باشند اما در
غیراین صورت واقعیتی خلق خواهد شد که پژوهشگر خود خواهان آن است؛
واقعیتی که با مبانی علمی، بیگانه و در سرزمین شعر، احساس و مباحث
رماتیک استوار است. از این رو پژوهشگر برای علمی جلوه‌دادن تصورات و

تخیلات خود از تعابیر آکادمیک استفاده می‌کند. اینجاست که وارد محدودهٔ دو نوع جهل و نادانی می‌شویم؛ جهل‌هایی که امام الحرمین جوینی در اثرش *الورقات فی اصول الفقه* از آن یاد کرده‌است: جهل بسیط و جهل مرکب.^۱ همانگونه که علمای اصول بیان کرده‌اند، علم در برابر جهل است و عبارت است از درک یقین مطابق با واقع و مبتنی بر دلیل. اما ادراک است یعنی با حواس پنجگانه به دست آمده و نه تصور یا تخیل؛ جزمی است و نه قابل تردید؛ مطابق با واقع است نه ظن و گمان؛ مبتنی بر دلیل است نه تقلید یا نشخوار.^۲ به هر حال علم بودن علم به ماهیت، روش و نتایج آن است، نه به واژگان آن تا همچون تعویذات سحرآمیز هرگاه ادا شود، به سخن‌گوینده رنگ و بوی علمی بخشد.

پژوهشگرانی که به مبانی تمدن‌ها توجه دارند، می‌دانند که هر تمدنی بر منظومهٔ معرفتی-روشی خاصی استوار است که انرژی انسان‌ها را آزاد می‌کند و به فکر و رفتارشان جهت می‌دهد تا در جریانی که به هدف مشترکشان منتهی می‌شود قرار گیرند؛ هدفی که هویت و تصویر مشترکشان را از آینده نشان می‌دهد. انسان‌ها در هدف جمعی خود به دنبال نظم تمدنی خاصی هستند تا به سعادت‌ی که بدان ایمان دارند برسند. برای تعامل موفقیت‌آمیز و ثمربخش با منظومهٔ هر تمدن ناچار باید بتوان بدان دست پیدا کرد و برای دستیابی به آن باید هر امری را همان‌گونه که هست شناخت، ولی در صورتی که تعامل بر پایهٔ توهم، پیش‌فرض و جهل باشد به هیچ نتیجهٔ علمی نخواهد رسید. واقعیت کنونی جهان عرب، نمونهٔ روشنی از راهکارهای ارائه شده‌ای است که با وجود تعددشان ناکام مانده‌اند، چون واقعیت با روش علمی که ابعاد، اجزا و روابطشان با یکدیگر و نیز علل و نتایج مسئله را روشن می‌کند شناخته نشده‌است.

۱. ابوالمعالی جوینی، *الورقات فی اصول الفقه*، چاپ شده در حاشیهٔ ارشاد الفحول الی تحقیق

الحق من علم الاصول شوکانی، قاهره، مطبعه محمدعلی صبیح، ص ۴۳.

۲. تعریف علم برگرفته از استاد الازهر شیخ دکتر علی جمعه محمد.

قرآن و سنت پیامبر سرچشمه‌ای بود که مسلمانان نظام روشی و معرفتی خود را از آن گرفتند و بر پایه آن، تمدن اسلامی را بنیان نهادند که دوازده قرن فعالانه ادامه یافت، اما چون پویایی خود را از دست داد، منزوی شد و به عقب نشست. البته اصول و مبادی تمدن اسلامی به حیات خود ادامه داد، اما به دلیل خلأ روشی، نتوانست بر واقعیت منطبق شود چراکه برای تعامل و فهم واقعیت معاصر، روش از تطور باز مانده بود.

تمدن اروپایی نیز بر اساس اصول معرفتی و روشی خود بنیان نهاده شد. اصول و مبانی تمدن اروپایی مشخص کرد که منابع علم و معرفت چیست و چگونه می‌توان بدان دست یافت و راه‌هایی برای فهم قوانین طبیعت و جوامع بشری در اختیار نهاد. از این‌رو تلاش پیشگامانی چون دکارت و بیکن صرف مبحث روش و شناخت شد و در نتیجه عقل اروپایی از جهل (بسیط یا مرکب) وارد وضعیتی شد که بتواند واقعیت را درک کند - گذشته از آنکه ارزش‌ها و هدف‌های تعامل اروپایی چه بودند - و با بهره‌برداری از این امر توانست نهضتی ایجاد کند که در بسیاری از حوزه‌ها با موفقیت همراه بود و در زمینه‌های دیگری هم ناکام ماند که آن هم بنا به دلایل روشی و معرفتی بود؛ چون نتوانست مسئله غیب را حذف کند. غیب هرچه باشد، یکی از مؤلفه‌های اساسی انسان است چه آن را درک کند، چه نکند. بهره‌برداری کلیسای اروپا از دین برای مهار عقل بشری، به رد تفسیر کلیسا از دین و نیز رد مفسر و منبع تفسیرش منتهی شد.

واقعیت معاصر عربی - اسلامی نشان می‌دهد که بیشترین آسیب‌ها را از ساختار معرفتی و روشی خود دریافت کرده است و با وجود فراوانی دستاوردهای «علمی» همچنان خلأ در روش و نظام معرفتی، موجب می‌شود انبوه دستاوردها بیش از آنکه به شفاف شدن تصویر کمک کنند تا بتوان درست عمل کرد، به انبوهی از ابرهای متراکم بدل می‌شوند و بر مه‌گرفتگی می‌افزایند. این بررسی نشان می‌دهد کسانی که از روش علمی - طبق معنای اروپایی آن - دم می‌زنند، در عمل از شعار فراتر نمی‌روند. تمامی کسانی که از

اندیشه یا میراث سیاسی-اسلامی یا یکی از پدیده‌های آن سخن گفته‌اند، بیش از ۶ درصد منابع تخصصی آن را بررسی نکرده و نخستین و ساده‌ترین اصل علمی یعنی استقرا پیش از تعمیم را نادیده گرفته‌اند. همگی اندیشمندان شرق و غرب و قدیم و جدید بر این اصل اتفاق نظر دارند و معتقدند هر تعمیم بدون دلیل و استقرا، غیر منطقی و غیر علمی است. تعمیم‌های سلبی یا ایجابی در حالی به میراث سیاسی-اسلامی نسبت داده شده که ۶ درصد منابع آن نیز بررسی نشده است. برخی حتی بدون آنکه به هیچ منبع و متنی مراجعه کرده باشند، دربارهٔ ارتباط اسلام با سیاست، جنجال کرده‌اند.^۱ آنها با وجود در اختیار داشتن منابع، سعی نکردند تاریخ اندیشهٔ اسلامی را بکاوند تا واقعیت را در مظان‌شان بجویند، بلکه با گریزی که به برخی نام‌های غیر تخصصی موجود در میراث زدند، سعی کردند به بحث خود اعتباری علمی ببخشند و توجیهی برای پذیرش نتایج آن یا بی‌تقصیری خود ارائه کنند. منابع این دسته از نویسندگان عبارت بود از منابع چاپ شده یا مورد توجه مستشرقان و منابعی که اتفاقی با آن برخورد می‌کردند. گویا این، ناشران، مصححان و محققان نسخ خطی‌اند که منابع پژوهشگر را تعیین می‌کنند و گویا هر آنچه هست همان است که به چاپ رسیده، در حالی که خلاف آن صحیح است. با این همه به بسیاری از منابع چاپ شده نیز توجه نشده است.

این بررسی دربارهٔ مهم‌ترین اصل روش علمی است؛ استقرا پیش از تعمیم. از آنجا که میراث یا اندیشهٔ سیاسی-اسلامی پدیده‌ای تاریخی است و به دوره‌های متعدد تعلق دارد، با مشاهده، تجربه، بررسی موردی و دیگر روش‌ها نمی‌توان آن را بررسی کرد. تنها راه تعامل با میراث یا اندیشه، کاوش متون و استفاده از منابع قابل اعتماد، برای لمس تاریخ اندیشه اسلامی است. در این کاوش باید به دنبال چستی و اجزای موضوع بود و نه اشخاص یا عناوینی مشخص، باید بدون هر پیش‌داوری نسبت به چستی میراث،

۱. دکتر محمد احمد خلف الله، علی عبدالرازق، دکتر محمد حسین هیکل و دیگران.

بخش‌ها و اهمیت آن و نیز بدون هر جانبداری از میراث یا علیه آن، وارد بحث شد. نباید از پیش چارچوبی برای تعیین عناصر مرتبط با موضوع مشخص کرد تا دامنه بررسی را محدود کند، بلکه باید با عقلانیتی باز و پذیرا که صرفاً مفردات اندیشه سیاسی در اسلام را با خود دارد حرکت کرد. دلیل این امر آن است که نمی‌توان از آغاز و پیش از شناخت کافی از موضوع، حکم کرد که چه چیزی در این چارچوب قرار می‌گیرد یا نمی‌گیرد و برای شناخت کافی از موضوع هم باید اجزا و عناصرش را گردآورد و در سایه نظام فکری، ادبیات گفتاری و شرایط تاریخی خودش آن را تجزیه و تحلیل کرد. پس از این مرحله، هر اختلاف نظری در نتایج پژوهش‌ها پذیرفتنی است چرا که اصل استقرا پیش از حکم، و معرفت پیش از تعمیم و ارزشگذاری، و به بیانی دیگر روش علمی رعایت شده است.

بر اساس اصل فوق، بررسی حاضر به شناسایی منابع علم سیاست در میراث اسلامی خواهد پرداخت؛ میراثی که همه نویسندگان این حوزه، یک ششم آن را هم نمی‌شناسند و هر پژوهشگر به بیش از ۶ درصد آن استناد نکرده است.

در پایان خاطر نشان می‌شود که در این بررسی روابط بین‌المللی مدنظر نبوده، بلکه بر علم سیاست و ابعاد درونی آن تکیه شده است. روابط بین‌المللی، منابعی مستقل دارند و نگارنده فهرستی از این منابع را طی پژوهش خود در طرح «روابط خارجی در اسلام» - که از ۱۹۸۷ و در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره و با همکاری معهد العالمی للفکر الاسلامی در واشنگتن در دست انجام بود - تدوین کرده است.

نصر محمد عارف، واشنگتن

رمضان ۱۴۱۴، مارچ ۱۹۹۳ [فروردین ۱۳۷۱]

مقدمه

سخنی پیرامون روش و مراحل این بررسی

از سال ۱۹۸۶ که متوجه این مسئله شدم، بررسی خود را آغاز کردم؛ زمانی که نسخه خطی محمد بن خلیل اسدی (متوفای ۸۵۴ق) به دستم رسید. در هیچ یک از مطالعات معاصری که بررسی کردم بدان استناد نشده بود؛ درحالی که این اثر از منابعی است که در دوره خودش با روشی مستحکم، به بررسی پدیده سیاست پرداخته بود. از آن پس این فرضیه در ذهنم جای گرفت که میراث سیاسی اسلامی بیش از آنی است که به دست آمده یا درباره پدیده سیاست نوشته شده است - پدیده سیاست که اساسی ترین کنش در حرکت تمدن اسلامی است، با بسیاری از کنش های دیگر در ارتباط بود - و وجود برخی منابع کشف یا بررسی نشده یا مورد استفاده قرار نگرفته، محتمل است؛ چرا که اجمالاً تاکنون کوششی جدی برای گردآوری یا فهرست نویسی و دسته بندی میراث اسلامی صورت نگرفته است، به ویژه آنکه در اماکن پراکنده ای نگهداری می شود. از این رو، چاره ای جز اقدامی روشمند جهت

شناسایی کامل، منظم و دقیق این گونه منابع وجود نداشت. هرچند در حد توان دقت شده است، اما این فرایند نیز از نقص و کوتاهی مبرا نیست. مراحل هفت‌گانه‌ای که طی شده‌اند عبارت‌اند از:

مرحله نخست

بررسی کتاب‌هایی که به نویسندگان و شرح حال آنان پرداخته‌اند و تمامی یا برخی از آثارشان را برشمرده‌اند، مثل:

۱. الأعلام، زرکلی؛

۲. معجم المؤلفین، عمر رضا کحّال؛

۳. برخی از أعلام مذاهب به‌ویژه طبقات الحنابلة و طبقات الشافعية الکبری.

بررسی فوق با تکیه بر نام - نه محتوای - منابعی صورت گرفت که احساس می‌شد به موضوعی می‌پردازند که در چارچوب علم سیاست - علم سیاستی که مسلمانان می‌شناسند - قرار می‌گیرد. تعامل و کار مداوم با منابع و نام آنها، قدرت تشخیصی به پژوهشگر می‌دهد تا با توجه به نام کتاب، بتواند منابع مورد نظر خود را در میان کتب رشته‌های گوناگون بازشناسد. همه منابع انتخاب شده، خواه آنهایی که ارتباط نزدیکی با موضوع داشتند یا نداشتند، ثبت شدند؛ چرا که خطا در گزینش، بررسی و نتیجه‌گیری، بر خطای ناشی از فروگذاری و تجاهل ترجیح دارد. ثبت اثری که بعدها روشن شود به موضوع ارتباطی نداشته است بهتر از فروگذاری کتابی است که احتمال دارد به موضوعی مرتبط باشد. در این مرحله، فهرست مفصلی از منابع به دست آمد. در این فهرست اشتباهات متعددی وجود داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. منابع فوق هریک به روشی خاص تدوین شده‌اند. برخی منابع، نویسندگان را بر اساس نام خانوادگی و تاریخ وفات دسته‌بندی کرده‌اند و برخی دیگر را بر اساس نام و تاریخ و... از این رو گاهی نام نویسنده و اثرش چند بار به ثبت رسیده‌اند؛ یک بار بر اساس نام خانوادگی، بار دیگر بر اساس نام و یک بار بر اساس کنیه و من نام‌های تکراری را نیز ثبت می‌کردم، چرا که

نام‌های عربی، نسب‌ها، قبیله‌ها و کنیه‌ها مشابه و نزدیک به هم‌اند؛ چه‌بسیارند اشخاصی که همان‌اند و به قبیله، شهر یا شغلی مشابه منتسب هستند، اما در دوره‌هایی متفاوت زندگی کرده‌اند.

۲. نام برخی از آثار به سیاست اشاره داشتند، اما موضوع و محتوای آنها با این علم بی‌ارتباط بود، مثل *سیاسة الصبيان*، اثر ابن جزار که کتابی تربیتی است؛ *سیاسة المریدین*، که دربارهٔ تصوف است؛ *سیاسة البقر*، اثر دکتر مصطفی حسن (چاپ ۱۳۶۲ ق) که دربارهٔ دامپزشکی است؛ *الروض الاسی فی الطب السیاسی*، اثر ابراهیم پاشا در اواخر قرن نوزدهم، که کتابی است در پزشکی و تشریح بدن.

مرحله دوم

بررسی کتاب‌شناسی‌های پیش از عصر چاپ، مانند:

۱. *الفهرست ابن ندیم*؛
۲. *کشف الظنون حاجی خلیفه*؛
۳. *ایضاح المکتون فی الذیل علی کشف الظنون اسماعیل پاشا بغدادی (متوفای ۱۹۲۰ م)*؛
۴. *هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، اسماعیل پاشا بغدادی.

در این مرحله نیز همچون مرحلهٔ گذشته، به گزینش و ثبت عناوین کتاب‌هایی پرداخته شد که به علوم سیاسی ارتباط داشتند. البته در این گام، صحت انتساب آثار به نویسندگان بررسی و برخی از خطاهای مرحلهٔ قبل که ناشی از انتساب یک اثر به چند نویسنده بود، برطرف شد.

مرحله سوم

بررسی فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ها:

به صورت دستی از نسخ خطی موجود در دارالکتب المصریه، دارالکتب الازهریه و معهد المخطوطات العربیه در قاهره، فهرست برداری شد. فهرست

نسخ خطی کتابخانه‌هایی که در دسترس بودند نیز مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود، آیا این آثار از بین رفته‌اند یا نه و در کجا نگهداری می‌شوند. در این مرحله به عنوان فراوانی دست یافتیم که در مراحل گذشته اثری از آنها نبود، به‌ویژه برخی از فهرست‌ها اطلاعاتی را از محتوای اثر نیز ارائه می‌کردند که برای تعیین موضوع آن کافی بود. امکان دسترسی به تمامی فهرست‌های نسخ خطی در جهان برایم مقدور نبود. دکتر کورکیس عواد که در کتاب خود فهرستی از نسخ خطی اسلامی و محل نگهداری آن در جهان^۱ تهیه کرده، کتاب‌شناسی‌ای از فهرست‌های نسخ خطی به زبان‌های مختلف ارائه کرده است که بالغ بر ۳۱۱۵ نسخه است و در کتابخانه‌های کشورهای زیر نگهداری می‌شود:

اتحاد جماهیر شوروی، اتریش، اردن، ایرلند، اسپانیا، افغانستان، آلمان، امارات متحد عربی، امریکا، اندونزی، ایران، الجزایر، ایتالیا، بحرین، برزیل، بلغارستان، پرتغال، پاکستان، ترکیه، تانزانیا، چاد، چین، چک‌واسلوواکی، اتیوپی، دانمارک، رومانی، ساحل عاج، سنگال، سودان، سوریه، عربستان سعودی، سوئیس، عمان، عراق، غنا، فرانسه، فلسطین، فنلاند، قطر، کامرون، کانادا، کویت، لبنان، لیبی، لهستان، مالی، مجارستان، ماداگاسکار، مصر، مغرب، موریتانی، نروژ، نیجریه، هند، هلند، واتیکان، یمن، یوگسلاوی سابق. در این کشورها کتابخانه‌های متعددی در دانشگاه‌ها، مراکز ملی، انستیتوها، مساجد و کلیساها وجود دارند. من تنها به فهرست‌های زیر مراجعه کردم چون بقیه فهرست‌ها عربی نبودند:

مجمع زبان عربی در دمشق، فهرست نسخ خطی دارالکتب الظاهریه در سوریه؛
دکتر محمد عبدالله عنان، فهرست نسخ خطی کتابخانه پادشاهی در مغرب؛
دکتر علی سامی النشار، فهرست نسخ خطی مسجد احمدي در طنطای مصر؛

۱. کورکیس عواد، فهرس المخطوطات العربیه فی العالم، الکویت: معهد المخطوطات العربیه، ۱۴۰۵ ق؛ ۱۹۸۴ م.

دکتر یوسف عزالدین، فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه ملی ایاصوفیه در بلغارستان؛

فهرست نسخ خطی موزه آسیایی بلغراد در یوگسلاوی سابق؛

فهرست نسخ خطی کتابخانه کوبریلی استانبول در ترکیه؛

حمیدمجید هدو، نسخ خطی کتابخانه دانشگاه مدینه العلم امام خالصی در کاظمین عراق؛

محموداحمد محمد، فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی اوقاف در سلیمانیه عراق؛

دکتر محمد عبداللطیف هریدی، فهرست مشروح نسخ خطی ترکی و فارسی دانشگاه امام محمدبن سعود در عربستان؛

فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه ملک عبدالعزیز در عربستان؛

یوسف خوری، نسخ خطی موجود در کتابخانه دانشگاه امریکایی بیروت در لبنان؛

فهرست نسخ خطی مسجد جامع کبیر صنعاء در یمن؛

محمدعزت عمر، فهرست نسخ خطی تصویربرداری شده در کتابخانه انستیتو میراث علمی عرب در دانشگاه حلب سوریه؛

فهرست نسخ خطی تصویربرداری شده دانشگاه اردن؛

محمد حجی، فهرست نسخ خطی کتابخانه علمی صبیحیه شهر سلا در مغرب؛

محمودعلی عطاالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه حرم ابراهیمی در شهر الخلیل فلسطین؛

دکتر احمد العلمی، فهرست نسخ خطی دانشکده دعوه و اصولالدین شهر عمان در اردن؛

محمدعابد الفاسی، فهرست نسخ خطی کتابخانه قرویین در مغرب؛

محمدسعید القریحی، فهرست کتابخانه وزیری در ایران؛

فهرست نسخ خطی دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهر رباط در مغرب؛

اسامه ناصر نقشبندی، نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه سلیمانیه در عراق؛

احمد تیمور پاشا، گزیده نسخ خطی عربی آستانه در ترکیه (که به همت دکتر

صلاح‌الدین المنجد منتشر شده)؛

دکتر صلاح‌الدین المنجد، نسخ خطی عربی در فلسطین؛

دکتر صلاح‌الدین المنجد، فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه کنگره واشنگتن در امریکا؛

فهرست نسخ عربی در امپروزیانای میلان در ایتالیا؛

دکتر داوود الجلبی الموصلی، نسخ خطی موصل در عراق؛

گزیده‌ای از نسخ خطی عربی حلب در سوریه؛

دکتر طه محسن، مجموعه‌هایی از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های شهر استانبول در ترکیه؛

دکتر رمضان ششن، نسخ خطی نادر در کتابخانه‌های ترکیه؛

محمد مهدی نجف، فهرست نسخ خطی کتابخانه عمومی امام حکیم شهر نجف در عراق؛

عبدالحفیظ منصور، فهرست عمومی نسخ خطی کتابخانه حسن حسینی عبدالوهاب در تونس؛

علی الخاقانی، نسخ خطی کتابخانه عباسیه بصره در عراق؛

فهرست نسخ خطی تصویربرداری شده در انستیتو نسخ خطی عربی قاهره در مصر؛
 یاسین محمد السواس، فهرست نسخ خطی دارالکتب ظاهریه دمشق در سوریه؛
 محمدالعربی الخطابی، فهرست کتابخانه حسینیة قصر پادشاهی رباط در مغرب؛
 فهرست نسخ خطی عربی نگهداری شده در مرکز عمومی اسناد و آثار شهر رباط در مغرب؛

سیداحمد حسینی، فهرست نسخ خطی کتابخانه روضه حیدریه نجف در عراق؛
 احمد ابوعلی، فهرست کتابخانه شهرداری اسکندریه در مصر؛

کورکیس عواد، فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه قاسم محمد رجب بغدادی در عراق؛

عبدالرحمن الفاسی، گزیده‌ای از نوادر نسخ خطی کتابخانه پادشاهی رباط در مغرب؛

عبدالحفیظ منصور، فهرست نسخ خطی کتابخانه احمدیه جامع زیتونه در تونس؛
عماد عبدالسلام، آثار خطی کتابخانه قادری، مسجد عبدالقادر گیلانی بغداد در
عراق؛

دکتر علی اباحسین، فهرست نسخ خطی بحرین؛
فهرست نسخ خطی خانه ملی کتاب در تونس؛
خضر ابراهیم سلامه، نسخ خطی مسجد الاقصی در فلسطین؛
میخائیل عواد، نسخ خطی مجمع علمی عراقی؛
دکتر محمد عیسی صالحیه، نسخ خطی یمنی در کتابخانه علی احمد امیری ملت
در استانبول؛
محمود علی عطالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه مسجد حاج نمر نابلسی در
فلسطین؛

سعیدالدیوه جی، نسخ خطی کتابخانه مرکزی شهر موصل در عراق؛
الخوری فسقفوس اسحاق أرمله السربانی، گوشه‌ای از نسخ خطی دیرالشرفه؛
کارل بروکلمن، تاریخ ادبیات عرب؛
فواد سزگین، تاریخ میراث عربی. این کتاب در هشت مجلد تنظیم شده است که
چهار مجلد آن به شعر، یک مجلد به قرآن و حدیث، یک مجلد به تدوین
تاریخ، یک مجلد به تصوف و عقاید و مجلد پایانی آن به فقه، اختصاص
دارد. این دسته‌بندی موجب شده فواد سزگین تنها یک نسخه از نسخ
خطی ای را که من از طریق منابع دیگر به دست آورده‌ام ذکر کند، زیرا وی
با تکیه بر دسته‌بندی خاورشناسان از علوم اسلامی، به هتون و میراث
اسلامی نزدیک شده است؛

کورکپس عواد، کهن‌ترین نسخ خطی عربی در کتابخانه‌های جهان؛
عبدالله الجبوری، فهرست نسخ خطی حسن آنکرلی اهدایی به کتابخانه عمومی
اوقاف بغداد؛

نسخ خطی عربی انستیتوی مطالعات اسلامی در عراق؛
بشیر قاسم یوشع، فهرست نسخ خطی خداس در لیبی؛

عمر رضا کحّاله، گزیده نسخ خطی شهر مدینه منوره در عربستان؛ محمود علی عطاالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه اسلامی شهر یافا در فلسطین. در مرحله سوم خطاهایی رخ دادند که تنها به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌کنم:

۱. گاه یک کتاب عناوین متعدد داشت، از این رو بارها به ثبت می‌رسید. گاه عنوان کتاب جابه‌جا شده و گاه تنها بخشی از آن ذکر شده بود؛ برای مثال سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، گاهی با عنوان سیرالملوک درج شده بود؛ العقدالفرید اثر ملک سعید، در جایی دیگر عنوان نفائس العناصر لمجالس الملک الناصر فی الاخلاق والسلطنة و الشریعة داشت. پس از بررسی نسخه‌های خطی، مشخص شد که محتوای هر دو کتاب یکی است، هر چند عناوین آنها متفاوت است.

۲. گاهی یک کتاب در کتابخانه‌ای به نسخه‌نویس منتسب شده بود و در کتابخانه‌های دیگر به نویسنده؛ برای مثال تهذیب الریاسة فی ترتیب السیاسة اثر قلعی به نسخه‌بردار آن ابن دجاچه منتسب شده بود. کتاب اللؤلؤ المنشور فی نصیحة ولاة الأمور در کتابخانه کنگره و خانه کتاب مصر به ناسخان آن نسبت داده شده بود. چنانچه امکان دسترسی به نسخه فراهم بود، بدان مراجعه می‌کردم و در غیر این صورت به کتاب‌شناسی‌هایی چون ایضاح المکنون بغدادی، هدیة العارفین بغدادی و کشف الظنون حاجی خلیفه مراجعه می‌کردم؛ منابعی که در ردیابی نسخ، بیشتر بدان‌ها اعتماد کردم.

مرحله چهارم

بررسی کتاب‌شناسی‌های نسخ چاپ شده از جمله: یوسف‌الیان سرکیس، معجم نسخ چاپ شده عربی از ظهور صنعت چاپ تا ۱۹۱۹م؛

همو، فهرست تألیفات نوین از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۶؛

عائده ابراهیم نصیر، کتاب‌های عربی منتشر شده در جمهوری متحد عربی از ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۰.

همو، کتاب‌های عربی منتشره در مصر از ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۵؛

صلاح الدین المنجد، معجم نسخ خطی چاپ شده از ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۰؛

فهرست‌های کتابخانه اُزهریه (صورت برداری دستی)؛

فهرست‌های دانشگاه قاهره (صورت برداری دستی)؛

فهرست‌های دانشگاه امریکایی قاهره (صورت برداری دستی)؛

عبدالجبار عبدالرحمن، گنجینه‌های میراث عربی اسلامی؛ راهنمای نسخ خطی عربی چاپ شده تا سال ۱۹۸۰م؛

عبدالجبار الرفاعی، کتاب‌شناسی منابع دولت و سیاست در اسلام.

در این مرحله متوجه شدم نسخ خطی که در مرحله پیشین به دست آمد، به چه میزان به مرحله چاپ رسیده‌اند.

مرحله پنجم

شناسایی، بررسی محتوا و ارائه چکیده‌ای از کتاب‌ها و نسخه‌های موجود در مصر، در این مرحله انجام شدند. لازم است ذکر شود که دسترسی به تمامی نسخ موجود در «خانه کتاب مصر» برایم امکان‌پذیر نشد.

مرحله ششم

مراجعة مجدد به الاعلام زرکلی، معجم المؤلفین عمر رضا کحّاله برای شناخت نویسندگان و هدیه العارفین و ایضاح المکنون بغدادی و کشف الظنون حاجی خلیفه، برای اطمینان از انتساب مشکوک برخی از نسخ به صاحبانشان.

مرحله هفتم

در این مرحله تألیفات و مطالعات معاصری که به اندیشه سیاسی اسلامی پرداخته بودند و توانستم به آنها دسترسی پیدا کنم، مورد بررسی قرار گرفتند.

مأخذ و منابع این مطالعات، شناسایی و سهم میراث سیاسی آنها تعیین شد تا مشخص شود فرضیات این مطالعات تا چه حد بر آن مبتنی است.

من این مراحل را گذراندم. واضح است که همه مواد و عناصر مورد انتظار میراث سیاسی اسلامی، به دست نیامده است؛ به عبارت دیگر، احتمال وجود منابع شناسایی نشده وجود دارد. علاوه بر این، چه بسا با توجه به فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های مورد بررسی، منابعی که اکنون معدوم یا غیر قابل دسترس فرض کرده‌ام، در کتابخانه‌های دیگری که فهرست نسخ خطی شان را بررسی نکرده‌ام، وجود داشته باشند و این کتابخانه‌ها به مراتب بیش از مراکزی هستند که فهرست‌هایشان را بررسی کرده‌ام. به همین دلیل این بحث را با مؤلفه‌های روش‌شناختی زیر محدود می‌کنم:

۱. این بررسی بر پایه فهرست‌های اشاره شده صورت گرفته است؛ از این رو با افزودن هر فهرست جدید احتمال دارد نسخه‌ای دیگر شناسایی شود یا نسخه‌ای که گمان داشتیم از بین رفته باشد، کشف شود.
۲. در این بررسی ابعاد درونی پدیده سیاست مورد توجه قرار گرفته است و نه روابط خارجی. روابط بین‌المللی، حوزه و منابع خاص خودش را دارد. البته وجود مباحث مرتبط با روابط بین‌المللی در بخشی از منابع مورد نظر ما، لطمه‌ای به این امر نمی‌زند؛
۳. این بررسی تنها در محدوده منابع عربی انجام شده است. از سویی نسخ اسلامی غیرعربی (اعم از زبان‌های تاریخی یا معاصر که گوناگون و متنوع‌اند) شناسایی نشده‌اند و از سویی دیگر به فهرست‌های غیرعربی که کم هم نیستند، مراجعه نکرده‌ام.
۴. نسخی که به طور مستقیم از آنها استفاده کرده‌ام، نمونه‌های موجود در مصر هستند و نسخه‌های دیگر را با تکیه بر فهرست‌ها شناسایی کرده و از محتوای آنها مطلع شده‌ام.

بررسی که در پیش رو دارید بر اساس مراحل و محورهای اشاره شده صورت گرفته است، از این رو، هرگونه نقدی که بر این اثر نوشته شود، باید به چارچوب متدلوژیک آن توجه داشته باشد. این گونه تلاش کرده ایم مبانی علمی بحث را ثبت کنیم تا چنانچه منابعی جدید شناسایی شد، بدون آنکه خللی به روش این اثر وارد شود، بتواند به مجموعه حاضر افزوده شود.